

عنوان	مطالب این شماره	صفحه
* گروه‌بندی استان‌های مختلف کشور از نظر ظرفیت‌های دامپروری به منظور منطقی کردن ارائه خدمات پشتیبانی ۱ احمد رضوانفر، هادی ویسی و فاطمه شفیعی		
* تبیین رابطه بین اندازه واحدهای بهره‌برداری کشاورزی و شاخص عمقی شدن کشت در ایران با تأکید بر جامعه روستایی ۲۱ محسن ابراهیم پور		
* بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۱۳۵۹-۸۳) ۵۱ علی قاسمی اردهائی		
* دانش بومی: ضرورتی در فرآیند توسعه و ترویج ۸۱ ابوالقاسم عربیون		
* جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت ۱۳۷ احمد عابدی سروستانی		
* بررسی کتاب ۱۶۷		

Table of Contents

- **Stratification of Iran`s Provinces in respect of Animal Husbandry Potentials to Rationalize Support Service Delivery**

Ahmad Rezvanfar, Hadi Veisy, Fatemeh Shafiei

- **An Explanation of Relations between Size of Agricultural Operating Units and Agricultural Intensification Index in Iran with an Emphasis on Rural Community**

Mohsen Ebrahimpour

- **Causes of Rural-Urban Migration in Iran:A Meta-Analysis of Theses (During ۱۹۸۰-۲۰۰۴)**

Ali Qasemi Ardehaei

- **Indigenous Knowledge: A Necessity in the Extension and Development Process**

Abolqasem Arabiyun

- **Position of Extension in Development with an Emphasis on Participation**

Ahmad Abedi Sarvestani

گروه‌بندی استان‌های مختلف کشور از نظر ظرفیت‌های دامپروری

به منظور منطقی کردن ارائه خدمات پشتیبانی

احمد رضوانفر*، هادی ویسی** و فاطمه شفيعی***

چکیده

مطالعه حاضر در صدد گروه‌بندی استان‌های مختلف کشور برای منطقی کردن ارائه خدمات پشتیبانی با استفاده از روش تاکسونومی است. گروه‌بندی فنی مناطق کشور، زمینه‌های لازم برای ارائه خدمات متعارف را فراهم می‌کند. به منظور تعیین شاخص‌های توسعه — که مهم‌ترین قدم در مطالعات توسعه منطقه‌ای با استفاده از روش تجزیه و تحلیل تاکسونومی است — آمار و ارقام مرتبط با متغیرهای امور دام شامل تعداد واحد دامی، مقدار مرتع، مقدار زمین زراعی، مقدار جنگل، میزان تولید گوشت قرمز، مقدار تولید شیر، تعداد دامپزشک، تعداد تکنیسین دامپزشکی، تعداد کارشناس ترویج و تعداد کارشناس امور دام جمع‌آوری گردید. پس از انتخاب متغیرها، از طریق توسعه شاخص‌های «توسعه امور دام» در مناطق، مرتب کردن مقایسه‌ای استان‌ها بر اساس سطح نسبی توسعه امکان‌پذیر گردید. بعد از رتبه‌بندی استان‌ها به تفکیک سطح توسعه‌یافتگی/بهره‌مندی با توجه به شاخص‌های مورد نظر، استان‌ها بر اساس معیار سطح توسعه‌یافتگی (DL) در چهار گروه مختلف نسبتاً همگن شامل استان‌های بسیار توسعه‌یافته، با توسعه‌یافتگی بالا، با توسعه‌یافتگی پایین و توسعه‌یافتگی بسیار پایین دسته‌بندی شدند. با توجه به سطوح طبقات و امتیازات حاصله استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، خوزستان، اردبیل و کردستان در گروه استان‌های با توسعه‌یافتگی بسیار بالا و استان‌های مازندران، زنجان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، مرکزی، هرمزگان، کرمانشاه، خراسان، اصفهان، بوشهر، کرمان و گیلان در گروه استان‌های با توسعه‌یافتگی بالا طبقه‌بندی شدند. به همین ترتیب، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، فارس و لرستان در دسته استان‌های با توسعه‌یافتگی پایین و استان‌های همدان، تهران و سیستان و بلوچستان در گروه استان‌های با سطح توسعه‌یافتگی بسیار پایین طبقه‌بندی شدند.

کلیدواژه‌ها: دامپروری/ توسعه‌یافتگی/ تاکسونومی/ توسعه منطقه‌ای.

* * *

* استادیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

** دکترای ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

تبیین رابطه بین اندازه واحدهای بهره‌برداری کشاورزی و شاخص عمقی شدن کشت در ایران با تأکید بر جامعه

روستایی

محسن ابراهیم‌پور*

چکیده

در پژوهش حاضر رابطه بین مساحت نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و سطح عمقی شدن کشت تجزیه و تحلیل شده است. بدین منظور از اطلاعات سرشماری‌های کشاورزی سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۷۲ و همچنین گزارش‌های تولید محصولات کشاورزی استفاده شد. در این پژوهش با استفاده از فنون تحلیل تمایزات و مقایسه درونی سطوح بهره‌برداری از اراضی کشاورزی، رابطه تفکیکی بین مساحت واحدهای بهره‌برداری و شاخص‌های عمقی شدن کشت محاسبه و تحلیل شده است.

نتایج حاصل بیانگر آن است که سطح عمقی شدن کشت، عملکرد در هکتار و بازدهی در همه واحدهای بهره‌برداری از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۲ سیری صعودی داشته و تولید چهار محصول منتخب شامل غلات، حبوبات، نباتات صنعتی و سیب‌زمینی با افزایش حدود سه برابر از ۵۷۱۲ هزار تن در سال ۱۳۳۹ به ۱۹۵۸۵ هزار تن در سال ۱۳۷۲ رسیده است. همچنین شاخص‌های تعداد بهره‌برداری‌ها، سطح زیر کشت محصولات زراعی، نسبت اراضی آبی، نسبت اراضی زیر کشت محصولات کاربر به کل اراضی زراعی، بازدهی در واحد سطح در واحدهای بهره‌برداری خانوادگی و زیر ده هکتار به طرز کاملاً بارز و معنی‌داری بالاتر از واحدهای بزرگ مقیاس است. این واحدها با تملک ۳۱/۵ درصد اراضی زیر کشت بیست و یک محصول زراعی مورد بررسی، حدود ۵۰ درصد از تولید این محصولات و ۷۰ درصد از تولید شش محصول کاربر منتخب را در سال زراعی ۷۲-۱۳۷۱ در اختیار داشتند. همچنین عملکرد در هکتار نوزده محصول در واحدهای زیر ده هکتار بالای ۵/۵ تن و در واحدهای بالای ده هکتار کمتر از ۳ تن بوده است. به علاوه میزان اراضی آیش در واحدهای زیر ده هکتار کمتر از ۲۰ درصد و در واحدهای بالای ۵۰ هکتار ۴۲ درصد بوده است. همبستگی معکوس بین اندازه واحد بهره‌برداری و عامل عمقی شدن کشت که با کنترل متغیرهای محیطی، طبیعی، مکانی و تکنیکی نیز معنی‌دار بوده؛ عمدتاً متأثر از مدیریت هماهنگ، برخورداری از دانش بومی هزاران ساله در کشت و زرع، پایین بودن هزینه‌های بالاسری، توان سازگاری با تغییرات محیطی، بالا بودن انگیزش‌ها، پذیرش نوآوری‌ها و انجام کار توسط اعضاء در واحدهای خانوادگی در مقایسه با واحدهای بزرگ مقیاس است.

کلید واژه‌ها: بهره‌برداران کشاورزی/محصولات کشاورزی/عملکرد در هکتار/عمقی شدن کشت.

* * *

بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با فراتحلیل

پایان‌نامه‌های تحصیلی (مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹)*

علی قاسمی اردهانی**

چکیده

در این بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها که نوعی تقسیم‌بندی داخلی از لحاظ مکان است، با استفاده از نظریه‌های مهاجرتی موجود به خصوص نظریه اورت لی، لوئیس-فی-رانیس و وابستگی مورد بحث قرار گرفته است. برای پشتیبانی تجربی از نظریه‌های موجود، پایان‌نامه‌های تحصیلی دانشگاه تهران که در زمینه علل مهاجرت روستاییان به شهرها نوشته شده (جامعه آماری) با استفاده از روش فرا تحلیل بررسی شده‌اند.

در دیدی کلی، علل تأثیرگذار بر مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران از چهار بُعد؛ اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، جمعیت‌شناختی و طبیعی-کشاورزی قابل بررسی است که از این میان بُعد اقتصادی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و پس از آن ابعاد اجتماعی-فرهنگی، طبیعی-کشاورزی و جمعیت‌شناختی قرار دارند. ابعاد فوق برحسب عوامل جاذبه، دافعه، تبعی و شخصی قابل تقسیم‌بندی است که عامل دافعه روستایی بیش از سایر عوامل در مهاجرت روستا-شهر مؤثر بوده است و سپس عوامل جاذبه شهری، شخصی و تبعی قرار دارند. دافعه‌های روستایی نیز بیشتر ابعاد اقتصادی، طبیعی-کشاورزی و اجتماعی-فرهنگی دارند.

کلید واژه‌ها: مهاجرت/مهاجرت روستاییان/پایان نامه‌ها/مهاجرت شهری.

* در تهیه مقاله حاضر، از کمک‌های ارزنده آقای علی حسینی‌راد، کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی استفاده شده است.

** کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی

دانش بومی: ضرورتی در فرآیند توسعه و ترویج

ابوالقاسم عربیون*

چکیده

مطالعات پژوهشگران و سازمان‌های مرتبط با توسعه روستایی و کشاورزی نشان می‌دهد که تأکید بیش از اندازه بر انتقال فناوری در روستاها پیامدهای نامطلوبی بر محیط زیست و منابع طبیعی داشته است. ضمن آنکه عملکردهای ترویجی مبتنی بر اشاعه فناوری، با نیازهای حاضر هماهنگ نیستند. به علاوه پافشاری بر انتقال فناوری باعث تخریب رابطه انسان با محیط وی شده است. مطالعات نیم قرن اخیر منجر به شناسایی دانش با ارزشی به نام دانش بومی شده که بی‌توجهی به آن تا کنون باعث بروز خلل اساسی در برنامه‌های توسعه پایدار بوده است. این دانش از نظر قدرت و ضعف مکمل دانش علمی نوین است و از ترکیب این دو می‌توان به موفقیت‌هایی دست یافت که هیچ کدام از آنها به تنهایی قادر به تحقق آن نیستند. مقاله حاضر، گزیده‌ای از نتیجه چندین سال متوالی پژوهش در زمینه دانش بومی است که با هدف شناساندن آن به عنوان ضرورتی در فرآیند توسعه و ترویج انجام شده است. روش گردآوری مطالب به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. در مطالعات میدانی، مبنای استفاده از روش‌ها و رهیافت‌های تحقیق کیفی مانند ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) و بعضی از فنون دیگر جمع‌آوری دانش بومی بوده است. از جمله نتایج پژوهش حاضر شناساندن نقش مهم و تأثیرگذار ترویج در تسریع فرآیند توسعه پایدار روستایی و معرفی مجدد دانش با ارزش بومی کشورمان به عنوان ضرورتی در فرآیند ترویج و توسعه است.

کلیدواژه‌ها: دانش بومی/ ترویج کشاورزی/ توسعه پایدار روستایی/ ارزیابی مشارکتی روستایی.

جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت

احمد عابدی سروسنانی*

چکیده

سازمان ترویج کشاورزی، هم نهادی آموزشی است که برای کمک به توسعه کشورهای پدید آمده و هم نهادی اجتماعی است که پیرو سیاست‌ها و باورهای ناشی از مبانی نظری حاکم بر توسعه کشورهای عمل می‌کند. این مبانی نظری در طول زمان تغییر کرده‌اند و هم اکنون شاهد اهمیت یافتن پارادایم^(۱) مشارکتی توسعه در مقابل پارادایم نوسازی هستیم. از این رو، جایگاه و ماهیت نظام ترویج باید متناسب با این تغییرات مورد تحلیل و تبیین قرار گیرند. مقاله حاضر در صدد است با تشریح مفاهیم توسعه و مشارکت و بررسی ماهیت نظام ترویج در پارادایم نوسازی و پارادایم مشارکتی توسعه، جایگاه ترویج در پارادایم مشارکتی توسعه را تبیین کند.

کلید واژه‌ها: ترویج کشاورزی / توسعه مشارکتی / آموزش کشاورزی.

* * *



بررسی کتاب

تحولات تعاون در ایران: گذشته، حال و آینده / نویسندگان: مصطفی مهاجرانی و جعفر عسگری، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، ۱۳۸۴، ۲۹۹ ص.



همگام با پیشرفت‌ها و تحولات عظیم در آغاز هزاره سوم و قرن بیست و یکم، جهان با مسائل و چالش‌های متعددی مواجه بوده است که به طور عمده ناشی از عملکرد تعاملی سیستم‌ها، انسان‌ها و مدل‌های رشد و توسعه در قرن اخیر به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم بوده است. با افزایش شمار جمعیت‌ها، آگاهی‌ها، تقاضاها و نیازها، پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع نیز افزون می‌گردد. این در حالی است که پیشرفت‌ها و توسعه‌های شگرفی در دانش، فناوری و ارتباطات جهانی صورت گرفته است و این روند روز به روز بر میزان نیازمندی‌ها و تقاضاهای مردم می‌افزاید و در نتیجه مسئولان و دست‌اندرکاران توسعه و پیشرفت جوامع را با محدودیت‌های کمی، ساختاری، فنی و فرهنگی روزافزون مواجه می‌کند. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که هم اکنون جهان با عدم تعادل اساسی بین نیازها و تقاضاها و امکانات موجود مواجه است و تعارض و تضاد رو به تزاید، در حال فزونی است. برای مقابله با این تعارضات ساختاری که موجب بسیاری از مشکلات و چالش‌های کنونی است، دو راه‌حل اساسی از طرف تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران توسعه پیشنهاد می‌شود که یکی رشد و توسعه هر چه بیشتر علم، فناوری، ابداعات و کارآفرینی و همه‌گیر کردن آن در سطوح مختلف جامعه در همه کشورها - به ویژه کشورهای در حال توسعه - است و دیگری استفاده از نیروی اقشار مختلف جوامع به ویژه سطوح زیرین آن در فرایندها و برنامه‌های مشارکتی که از آن با نام «مدیریت مشارکتی» یاد می‌شود. اشاعه فرهنگ مشارکت در بین جوامع و کشورها و حضور ملموس مردم در صحنه‌های اقتصادی-اجتماعی، بهترین تضمین برای تداوم برنامه‌ریزی‌های توسعه و کاهش ضایعات، افزایش بهره‌وری تولید و توزیع، و بهینه‌سازی تعادل بین نیازها و امکانات است. از جمله مصادیق مشارکت مردم در فعالیت‌ها، تعاونی‌ها هستند که اکنون بیش از یک‌ششم جمعیت جهان را دربر گرفته‌اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در سال‌های بعد از تصویب قانون تعاون و تأسیس وزارت تعاون، تعداد تعاونی‌ها در کشور به طور روزافزونی افزایش یافت که این امر به دلیل اهمیتی بود که برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران توسعه برای این نهاد مهم، قائل بودند. با توجه به چشم‌اندازهای آتی توسعه تعاونی در جهان و در کشور و به شرط آنکه توسعه کمی با توسعه کیفی تعاونی‌ها توأم گردد، انتظار می‌رود حضور تعاونی‌ها در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به مراتب از میزان توسعه آن در سال‌های گذشته بیشتر باشد.

پژوهش **تحولات تعاون در ایران: گذشته، حال و آینده** توسط دو نفر از پژوهشگران بخش تعاون صورت گرفته که خود از نزدیک مسائل و مشکلات بخش تعاون را در فرایند برنامه‌ریزی‌ها مورد مطالعه قرار داده‌اند. این کتاب دارای ۱۲ فصل

است که به طور عام به بررسی تحلیلی رویدادها، تحولات و حوادث تعاون و تعاونی در ایران در دهه‌های ۲۰ الی ۷۰ پرداخته و چشم‌اندازهای آتی توسعه تعاون در ایران و جهان و مسائل حقوقی مترتب بر آن را مورد مذاقه قرار می‌دهد. نویسندگان در بخش پایانی کتاب تأکید می‌کنند که جاده توسعه تعاون در ایران هنوز بسیار ناهموار است و حرکت ماشین تعاون را بطی می‌سازد. مجلس شورای اسلامی، دولتمردان، دانشگاهیان و به خصوص خود تعاونگران باید اقدامات بسیاری انجام دهند تا بستر حرکت ماشین تعاون هموار گردد. آنان نتیجه می‌گیرند که امروزه اگر صحبت از کاهش تصدیگری بخش دولتی و واگذاری امور و فعالیت‌های قابل واگذاری آن به بخش‌های غیردولتی مطرح است، واحدهای تعاونی برای این مسئولیت اصلح‌اند. در واقع اگر به جای فروش واحدهای دولتی به طور مزایده، واحدهای قابل واگذاری آن به سه گروه کارکنان واحدهای قابل واگذاری، مصرف‌کنندگان محصولات واحدهای قابل واگذاری و فارغ‌التحصیلان متقاضی کار در رشته‌های مرتبط با موضوعات واحدهای قابل واگذاری، در قالب تشکلهای تعاونی اختصاص یابد، منافع بیشتری نصیب جامعه خواهد شد. مشکل بیکاری به طور اعم و بیکاری فارغ‌التحصیلان به طور اخص نیز از طریق تشکلهای تعاونی به نحو سهل‌تری قابل رفع است. همچنین، اگر تشکلهای تعاونی پدید آیند، در بسیاری از زمینه‌های سنتی فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، هم اهداف با بهره‌وری و کارآیی بیشتری حاصل می‌شود و هم، مردم‌سالاری و حضور مردم در صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی و کاهش مسئولیت‌های دولت و تقلیل توقعات مردم از آن محقق می‌گردد. این کتاب که از سوی مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی منتشر شده است، به زبان ساده نگاشته شده و کلیه گروه‌های اقتصادی - اجتماعی، دانشجویان و اساتید محترم دانشگاه‌ها می‌توانند از آن استفاده نمایند.

دکتر علی شاه‌شجاعی

Abstracts

Stratification of Iran`s Provinces in respect of Animal Husbandry Potentials to Rationalize Support Service Delivery

Ahmad Rezvanfar, Hadi Veisy, Fatemeh Shafiei

A technical stratification of country`s regions is a necessity for a conventional support service delivery. Using Taxonomy method, in the first place, variables on some primary data on animal husbandry were gathered to determine development indices as the most important step in regional development studies; these variables included: number of livestock units; amount of pastures, forests, and cultivated lands; amount of milk and/or meat production; and the number of specialists engaged in the project. Following an identification of the screened variables, the concerned indices were developed. Finally, a comparative ranking of the provinces was assumed upon their relative development levels. As extracted from the results, they were stratified into the four groups: a) Very highly developed provinces, ie East Azarbaijan, West Azarbaijan, Khuzestan, Ardebil, and Kurdistan; b) Highly developed provinces, ie Mazandaran, Zanzan, Chahar-Mahal va Bakhtiyari, Ilam, Markazi, Hormozgan, Kermanshah, Khorasan, Boushehr, Kerman, and Gillan; c) Low developed provinces, ie Kohgilouye va Boyer- Ahmad, Fars, and Lorestan; and d) Less developed provinces, ie Hamadan, Tehran, and Sistan va Balouchestan.

Keywords: Animal Husbandry/ Development/ Taxonomy/ Regional Development.

An Explanation of Relations between Size of Agricultural Operating Units and Agricultural Intensification Index in Iran with an Emphasis on Rural Community

Mohsen Ebrahimpour

This paper makes use of results of General Census of Agriculture carried out at the ۱۹۶۰-۱۹۹۳ period as well as crop production reports as its database; and of discriminant analysis techniques, and within groups comparison of operators in order to calculate and analyze the relations between size of agricultural operating units and agricultural intensification index.

The results indicate that the level of intensification, yields per hectare, and the return rates in all operating units have increased during the period, and the production of four selected crops including cereals, pulses, industrial plants, and potatoes has reached from ۰۷۱۲۰۰۰ tons in ۱۹۶۰ to ۱۹۸۵۸۰۰۰ tons in ۱۹۹۳. The indices of the number of operating units, crops cultivated area, proportion of irrigated lands, operating units, proportion of lands under cultivation of labor-intensive crops to total cultivated lands, yields per hectare in family operating units smaller than ۱۰ hectares, are significantly higher than those of large-scale units. These units, with an ownership of ۳۱,۰ percent of the lands under cultivation of twenty-one crops studied, accounted for some ۵۰ percent production of these crops and ۷۰ percent production of the selected six labor-intensive crops at ۱۹۹۲-۹۳ crop year. In addition, yields per hectare of nineteen crops in units smaller than ۱۰ hectares were over ۵,۰ tons and in units of larger than ۱۰ hectares were less than ۳ tons. Besides, there were less than ۲۰ percent of the fallow lands in the units smaller than ۱۰ hectares and ۴۲ percent in the units larger than ۵۰ hectares. A reverse correlation between the size of operating units and the factor of agricultural intensification, shown also significant while environmental, natural, spatial, and technical variables are controlled, is mainly influenced by a coordinated management, an experience of indigenous knowledge with a cultivation history of over thousands of years, lower over-head costs, adaptability to environmental changes, higher incentives, adoption of inventions, and duties conducted by members of the family units compared to the large-scale units.

Keywords: Agricultural Operators/ Agricultural Crops/ Yields per Hectare/ Agricultural Intensification.

Causes of Rural-Urban Migration in Iran: A Meta-Analysis of Theses (During ۱۹۸۰-۲۰۰۴)

Ali Qasemi Ardehaei

This study reviews causes of rural-urban migration drawing upon existing migration theories including particularly those of E. Lee, and Lewis-Fei-Ranis, as well as dependence theory. Theses on the same discussion, using meta-analysis method, presented in Tehran university, are studied to provide experimental support to the theories.

In a comprehensive perspective, the causes of rural-urban migration may be identified in four aspects: economic, socio-cultural, demographic, and natural-agricultural. The economic aspect takes the first place in significance, while the socio-cultural, natural-agricultural, and demographic aspects gain other degrees of impact respectively. Given a categorization of push/pull factors as well as subordinate/personal factors for each aspect, however, the rural pushing factor reveals to be the most effective factor in the rural-urban migration, followed by the other factors —ie urban pull factors, personal, and subordinate ones, respectively. Most of the rural push factors are due to the economic aspect, while the natural-agricultural and socio-cultural aspects are placed in the lower ranks.

Keywords: Migration/ Villagers Migration/ Dissertations/ Urban Migration.

Indigenous Knowledge: A Necessity in the Extension and Development Process

Abolqasem Arabiyun

An over-emphasis on transfer of technology into the rural areas has been shown as affecting environment and natural resources. Besides, extension performances based on technology diffusion are not in harmony with present needs. Insistence on the technology transfer has also resulted in a vague relation between human and the environment. Studies have lead to the identification of "indigenous knowledge", a total neglect of which has so far caused substantial distortions in sustainable development plans. It appears to be complementary to the modern sciences in terms of strengths and weaknesses; by a combination of them, nevertheless, there might be achievements otherwise never would be reached. This paper illustrates the results of selected studies on indigenous knowledge, aiming at introducing a need for getting it in focus while planning the extension and development process. Data were gathered in both desk and field methods. Field studies are characterized by using qualitative research methods and approaches such as Participatory Rural Appraisal (PRA). Among other results, this research tends to introduce a primary and effective contribution of extension in accelerating the rural sustainable development process as well as to represent Iranian indigenous knowledge as a necessity in the extension and sustainable development process.

Keywords: Indigenous Knowledge/ Agricultural Extension/ Sustainable Rural Development/ Participatory Rural Appraisal.

Position of Extension in Development with an Emphasis on Participation

Ahmad Abedi Sarvestani

As an educational institution, "Extension Organization" was established to facilitate a development process, and it is thus virtually expected to follow views and policies reflected in most common development theories which are deemed to be changed occasionally; and now it is time for emerging participation rather than modernization paradigm. Hence, it seems inevitable to redefine nature and position of extension organizations, responding to the changes. In brief, this paper attempts to: ١) describe the meaning of development and participation; ٢) compare the nature of extension organizations in modernization and participation paradigms; and ٣) illustrate the position of extension organizations in the participation paradigm with regard to its communicative nature.

Keywords: Agricultural Extension/ Participatory Development/ Agricultural Education.